

کاشمش

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است
یکشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۴۰۴ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / ۱۳۹۹ / صفحه ۲۵۰۰۰ تومان

تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

چپ ایرانی و مساله دولت-ملت

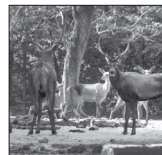
«یادداشت»



۲

راز موفقیت حفاظت مشارکتی در جنگل‌های

هیرکانی



۳

۱۱۰ سند مالکیت مدرسه و فضای آموزشی

اهداء شد



۴

یادداشت اول

گلستان و انسجام

مدیریتی

محمد جواد مکتبی

در چند دهه اخیر، یکی از مهم‌ترین مسائل مدیریتی مسأله انسجام مدیریتی بوده است. این مفهوم به معنای هماهنگی و هم‌راستایی میان دستگاه‌های اجرایی مختلف است که می‌بایست سیاست‌ها، تصمیمات و پروژه‌ها را به‌طور یکپارچه و در راستای اهداف مشترک پیگیری کنند. فقدان انسجام مدیریتی به‌ویژه در استان‌هایی مانند گلستان که ویژگی‌های خاص جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی دارند، می‌تواند به چالش‌های جدی در مسیر توسعه منجر شود. گلستان به‌عنوان استانی با تنوع قومیتی و جغرافیایی، ظرفیت‌های بی‌ظرفی برای توسعه دارد. اما در عمل، بسیاری از این ظرفیت‌ها به دلیل نبود انسجام و هماهنگی میان نهادهای مختلف اجرایی، به درستی بهره‌برداری نمی‌شوند. در این استان، سیاست‌ها و برنامه‌ها عمدتاً به‌طور پراکنده و بدون هم‌راستایی کافی میان دستگاه‌ها پیش می‌روند که نتیجه آن کاهش بهره‌وری، کندگی در اجرای پروژه‌ها و نارضایتی عمومی است. عدم هماهنگی و تعارضات میان دستگاه‌ها، یکی از مهم‌ترین نشانه‌های فقدان انسجام مدیریتی است. در استان گلستان، شاهد اجرای پروژه‌های عمرانی و زیرساختی به‌صورت غیرهمزمان و با تأخیرهای طولانی‌مدت هستیم. به‌طور مثال، بسیاری از طرح‌های اقتصادی و زیربنایی به‌ویژه در مناطق دورافتاده، به دلیل نبود هماهنگی بین مسئولین و دستگاه‌های مختلف، به کندگی پیش می‌روند و در نتیجه، توسعه استان با چالش‌های جدی مواجه شده است. علاوه بر این، تصمیمات متناقض از سوی مسئولین، به جای رفع مشکلات، تنها بر پیچیدگی‌ها می‌افزاید و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی و انسانی استان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای تحقق انسجام مدیریتی، لازم است که دستگاه‌ها و نهادهای مختلف، اهداف مشترک و استراتژی واحدی را دنبال کنند.

ادامه در صفحه ۲

تحلیلی بر اینکه چرا ارز تک نرخ شد

راه ناگزیر



اگرچه دلیل اصلی اجرای تک نرخ کردن ارز در این زمان خاص که کاملاً مشخص بود انجام آن خطرات زیادی دارد این بود که در خزانه دولت دیگر ارزی برای تأمین کالاهای اساسی وجود نداشت و ماهها بود که وارد کنندگان کالاهای خود را خرید و حمل و حتی ترخیص هم کرده ولی ارزی دریافت نکرده بودند و مجموع طلب واردکنندگان بنا بقول آنان تا ۵ میلیارد دلار هم رسیده بود و دولت را تهدید به عدم واردات و ترخیص نهاده‌های موجود در بنادر کرده بودند و لذا دولت چاره‌ای نداشت جز اینکه با آزاد سازی و تغییر قیمت ارز نهاده‌ها از نرخ ترجیحی به ارز بازار دوم که همان ارز نزدیک به ارز آزاد بود امکان تأمین ارز نهاده‌ها را از محل ارز صادر کنندگان فراهم نماید و عملاً ارز نزدیک به تک نرخ شود و از طرفی صادرکنندگان هم ارز خود را در بازار دوم و با نرخ آزاد عرضه کنند و این باعث گردیده که انگیزه تأمین و عرضه ارز صادرات بالا رفته و عملاً عرضه ارز افزایش پیدا کند و وارد کنندگان مشکل تأمین ارز نداشته باشند. البته دولت و وزیر اقتصاد وقت آن در زمان دکتر همتی این کار را با نزدیک کردن قیمت ارز نیمایی به ارز بازار آزاد کلید زده بودند تا مرحله به مرحله بازار را به سمت تک نرخ کردن پیش ببرند ولی متأسفانه در آن مرحله مجلس با اشتباه استیضاح دکتر همتی و عدم رای اعتماد جلوی این کار را گرفت و شد آنچه که نباید می‌شد.

تورم این دو قلم و سایر اقلام مانند تخم مرغ و روغن و ... نداشته و فقط باعث ایجاد رانت و فساد در همه زنجیره این کالا از ثبت سفارش تا تأمین خارجی و گمرک و بانک مرکزی و وزارتخانه‌های اقتصاد و صمت و جهاد تا تولید کنندگان و وارد کنندگان بزرگ و جزء در این زنجیره گردیده است و به خوبی می‌دانیم که یکی از مهمترین دلایل نارضایتی مردم و اعتراضات دی ماه همین فساد موجود در دستگاه‌های دولتی بود و رانت ارز ترجیحی یکی از اصلی‌ترین دلایل وجود فساد در دولت در سالهای قبل بوده است. میزان یارانه همین چند قلم کالا در سال ۱۴۰۴ حدود ۷۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌گردد که نه ماهه امسال بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان آن پرداخت شده بود و اگر امسال این رانت که فقط نصیب عده‌ای خاص شده بود بین کل جمعیت کشور تقسیم می‌شد ماهیانه حدود هشتصد هزار تومان به ازای هر نفر می‌شد، لذا دولت

حسینقلی قوانلو - ارز ترجیحی از سال ۹۷ با قیمت ۴۲۰۰ تومان جهت تثبیت قیمت کالاهای اساسی به این کالاها و نیز نهاده‌های دامی برای کنترل قیمت گوشت مرغ و گوشت قرمز داده شده بود و تا خرداد ماه سال ۱۴۰۱ هم ادامه یافت و از سال ۱۴۰۱ دوباره با قیمت جدید ۲۸۵۰۰ تومان تثبیت شد و تا دی ماه امسال با قیمت ثابت به این کالاها داده شد. اگرچه هدف از این کار تثبیت قیمت کالاهای اساسی یا حداقل کاهش تورم این کالاها در مقایسه با تورم کل کالاها بود ولی جدول پیوست نشان می‌دهد که به‌عنوان نمونه در مورد گوشت مرغ و گوشت قرمز این کار نه تنها هیچ تأثیری نداشته بلکه در مورد گوشت قرمز تورم این کالا حتی از تورم مصرف‌کننده هم بالاتر رفته است و در شرایطی که تورم کل کالاهای قرار گرفته در سبد محاسبه تورم که حدود ۳۵۰ قلم کالا را شامل می‌شود از سال ۱۴۰۰ تا سال ۱۴۰۴ حدود ۴۳۵ برابر شده (تورم ۵۳۵ درصدی) در همین حال قیمت گوشت مرغ علی‌رغم دریافت ۳۵۳ میلیارد دلار ارز ترجیحی در طی پنج سال و یارانه‌ای در حدود ۲۸۵ هزار میلیارد تومان به قیمت امروز رشد قیمتی در حدود سایر کالاها که هیچ یارانه‌ای دریافت نکردند داشته است و گوشت قرمز حتی رشد قیمت آن ۵۷ برابر و تورم ۶۷۰ درصدی داشته که رشد قیمت آن از میانگین کل کالاها ۳۱ درصد هم بیشتر بوده است لذا براحتی می‌توان نتیجه گرفت که این یارانه‌ها هیچ اثری بر روی تثبیت و یا کاهش

ادامه یادداشت اول

ویژگی‌های اصلی یک سیستم مدیریتی منسجم از جمله هم‌راستایی استراتژیک میان دستگاه‌ها، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و تبادل اطلاعات به صورت مؤثر و هماهنگی مستمر میان مسئولین

مختلف است. در صورتی که این اصول در سیستم مدیریتی رعایت نشود، پروژه‌ها با کندی اجرا و منابع به‌طور ناکارآمد تخصیص داده خواهند شد. برای رفع این معضل، نخستین گام باید شفاف‌سازی ساختارهای مدیریتی و تعریف دقیق مسئولیت‌ها و اختیارات باشد. دستگاه‌های اجرایی استان باید با یک استراتژی مشترک و هماهنگ، بر روی پروژه‌های کلیدی و ضروری متمرکز شوند و ضمن برگزاری نشست‌های منظم و تخصصی، با ایجاد

هم‌افزایی، پروژه‌ها را در زمان‌بندی‌های مناسب به اجرا درآورند. علاوه بر این، استفاده از فناوری‌های نوین و سیستم‌های اطلاعاتی می‌تواند در تسهیل فرآیندهای مدیریتی و افزایش شفافیت نقش اساسی داشته باشد. بهره‌گیری از پلتفرم‌های دیجیتال برای نظارت بر پروژه‌ها، تبادل اطلاعات و پیگیری پیشرفت‌ها، موجب تسریع در تصمیم‌گیری‌ها و کاهش تعارضات خواهد شد. گلستان با تمامی ظرفیت‌های طبیعی و انسانی که دارد، نیازمند یک

سیستم مدیریتی منسجم و هماهنگ است که بتواند این منابع را به‌طور مؤثر به کار گیرد. بهبود انسجام مدیریتی در این استان نه تنها موجب افزایش بهره‌وری و سرعت در اجرای پروژه‌ها خواهد شد، بلکه به افزایش رضایت عمومی و ارتقای کیفیت زندگی مردم استان کمک خواهد کرد. با توجه به مشکلات موجود، ضروری است که مسئولین به‌طور جدی به این موضوع توجه کنند و از راهکارهای هماهنگی و هم‌افزایی میان دستگاه‌ها بهره‌برداری کنند.



چپ ایرانی و مساله دولت-ملت



پوریا گنجی

ایران در شرایط حساس سیاسی قرار گرفته است؛ شرایطی که بیش از هر زمان دیگری نسبت جریان‌های

فکری با «ایده ایران» را آشکار می‌کند. در چنین شرایطی مساله اصلی نه رقابت‌های روزمره سیاسی بلکه نسبت هر جریان با موجودیت تاریخی دولت-ملت ایران است. در سنت نظری چپ کلاسیک، ملت پدیده‌ای تاریخی و گذرا تلقی می‌شود. آنطور که در جمله‌ای معروف، کارل مارکس می‌گوید: «کارگران میهن ندارند» و تأکید بر این نکته که مبارزه پرولتاریا در شکل ملی آغاز می‌شود اما ذاتا ماهیتی جهانی دارد ما را به این فهم می‌رساند که در نگاه چپ، ساختارهای ملی در چارچوب تحولات اقتصادی معنا پیدا می‌کنند و در نهایت جای خود را به همبستگی طبقاتی فراملی می‌دهند. در اندیشه ولادیمیر لنین نیز صراحتاً اصل «حق تعیین سرنوشت ملت‌ها» به رسمیت شناخته شد؛ اصلی که در بستر امپراتوری روسیه معنا داشت و با هدف جلب اعتماد ملت‌های غیر روس در چارچوب یک اتحاد سوسیالیستی رقم خورد. اما چنین نگاهی در کشورهای دارای سابقه تاریخی ممتد می‌تواند کارکردی واگرایانه پیدا کند. چپ کلاسیک ایرانی به‌ویژه حزب توده ایران نیز در چارچوب مارکسیسم لنینیسم شوروی شکل گرفت و خود را بخشی از جنبش جهانی سوسیالیسم می‌دانست. این پیوند نظری و سازمانی با اتحاد شوروی در برخی بزنگاه‌های سیاسی موجب شد اولویت عملی حزب نه بر مبنای ملاحظات دولت-ملت ایرانی، بلکه در همسویی با اردوگاه سوسیالیستی تعریف شود. به عنوان مثال در بحران آذربایجان در سال ۱۳۲۴،

هنگامی که با حضور ارتش سرخ در شمال ایران فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه‌وری اعلام خودمختاری کرد، موضع حزب توده ایران در چارچوب دفاع از «حقوق دموکراتیک خلق‌ها» تعریف شد. حزب توده این حرکت را تلاشی برای رفع ستم ملی و تحقق اصلاحات معرفی می‌کرد و در تحلیل رسمی خود، مساله را بیش از آنکه به حضور نیروی خارجی در خاک ایران گره بزند ذیل گفتمان حق تعیین سرنوشت توضیح می‌داد. با عقب‌نشینی شوروی و ورود ارتش ایران به تبریز در آذر ۱۳۲۵، حزب توده این اقدام را «سرکوب یک جنبش دموکراتیک» خواند. از منظر ملی‌گرایانه محل مناقشه دقیقاً همین تقدم‌تأخر است؛ در شرایطی که یک قدرت خارجی با پشتوانه نظامی در ایران حضور داشت اولویت حزب نه بر اصل خروج آن نیرو بلکه بر دفاع ایدئولوژیک از خودمختاری متمرکز بود و همین امر نشانه‌ای از غلبه همسویی فراملی بر ملاحظه صریح دولت-ملت ایرانی تلقی می‌شود. حال مساله اینجاست که چنین نگاهی وقتی با خوانش‌های هویت‌محور معاصر ترکیب می‌شود می‌تواند به تضعیف مفهوم دولت-ملت منجر شود به‌ویژه در کشوری مانند ایران که وحدت تاریخی آن حاصل پیوند هزارساله اقوام در چارچوب یک هویت تمدنی مشترک بوده است. امروز نیز دفاع بخش قابل توجهی از جریان‌های چپ از روایت‌های قوم‌محور و تأکید بر تفکیک‌های زبانی و فرهنگی اگرچه در ظاهر

با شعار عدالت و رفع تبعیض مطرح می‌شود، در عمل می‌تواند زمینه‌ساز گسل‌های سیاسی خطرناک باشد. در شرایطی که میلیون‌ها ایرانی با شعارهای ملی‌گرایانه به میدان آمده‌اند و برای حفظ کرامت و آینده کشور خود هزینه داده‌اند اولویت دادن به خوانش‌هایی که موجودیت دولت-ملت را نسبی یا ثانوی می‌دانند ناگزیر این پرسش را ایجاد می‌کند که نسبت این جریان با ایده ایران چیست؟ نقد این جریان از موضع ملی‌گرایی به معنای نفی حقوق فرهنگی یا تنوع قومی نیست بلکه تأکید بر این اصل است که در هر تحول سیاسی بقای چارچوب ملی شرط نخست ثبات، توسعه و امنیت است. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که در غیاب یک هویت ملی فراگیر، سیاست به میدان رقابت هویت‌های متعارض تبدیل می‌شود. پاتریوتیسم - به معنای تعهد به تمامیت ارضی، حافظه تاریخی مشترک و سرنوشت واحد - نه یک احساس رمانتیک، بلکه پیش‌شرط شکل‌گیری دولت کارآمد است. هر گفتمانی که این چارچوب را تضعیف کند حتی اگر با زبان عدالت یا برابری سخن بگوید باید از منظر منافع ملی مورد پرسش قرار گیرد. در بزنگاه کنونی، مساله اصلی ایران نه تقابل راست و چپ، بلکه نسبت هر جریان با موجودیت تاریخی کشور است. پرسش تعیین‌کننده این است: آیا عدالت، آزادی و اصلاحات در چارچوب یک ایران واحد دنبال می‌شود، یا در مسیری که ناخواسته به فرسایش بنیان دولت-ملت می‌انجامد؟

مهمان ناخوانده در گندمزارها

زنگ زرد به مزارع غرب گلستان حمله کرد



مدیر حفظ نباتات جهاد کشاورزی گلستان، با اشاره به مشاهده بیماری «زنگ زرد» در بخشی از مزارع گندم در غرب استان، نسبت به خسارت احتمالی به محصولات کشاورزی هشدار داد و اعلام آمادگی کرد که کارشناسان این سازمان برای راهنمایی گندم‌کاران و مقابله با این بیماری در مزارع زیرکشت آماده‌باش هستند. به گزارش ایرنا، سمانه ملک‌شاهکویی اظهار کرد: گندم‌کاران گلستان می‌توانند برای مقابله با بیماری زنگ زرد و پیشگیری از خسارت چشمگیر، از راهنمایی کارشناسان پهنه جهاد کشاورزی در ساعات اداری، کارشناسان ۲۴ کلینیک گیاه‌پزشکی، کارشناسان طرح جهش تولید و کارشناسان بسیج مهندسی استان بهره‌مند شوند. وی با بیان اینکه تاکنون آلودگی به این بیماری به صورت لکه‌ای در پنج هکتار از کشتزارهای گندم در محدوده بندرگز تا گرگان گزارش شده است، تأکید کرد: با توجه به شرایط آب و هوایی مساعد فعلی، بهترین فرصت برای مبارزه با این بیماری در مزارع آلوده فراهم است و کشاورزان درگیر باید اقدامات لازم را زیر نظر کارشناسان انجام دهند. وی خاطرنشان

کرد: دمای ۸ تا ۱۵ درجه و وجود رطوبت ۷۰ درصد در منطقه از عوامل اصلی بروز بیماری زنگ زرد در گندمزارهاست که منجر به آلودگی پنج هکتار از مزارع غرب استان شده است. ملک‌شاهکویی با اشاره به پیش‌بینی هواشناسی مبنی بر ورود سامانه بارشی از ابتدای هفته آینده و کاهش دما تا روز دوشنبه، از گندم‌کاران خواست بازدید مستمر از مزرعه را در دستور کار قرار دهند و در صورت مشاهده علائم بیماری زنگ زرد و علف‌های هرز، نسبت به مقابله با استفاده از علف‌کش‌ها و کودهای شیمیایی مناسب اقدام کنند. زنگ زرد گندم یک بیماری قارچی است که با ایجاد لکه‌های زرد روی برگ‌ها ظاهر می‌شود و در شرایط رطوبتی و دمای پایین فعال می‌شود؛ بیماری که در صورت عدم مهار، می‌تواند کاهش چشمگیری در محصول طلایی کشاورزان ایجاد کند. استان گلستان به عنوان یکی از قطب‌های مهم تولید گندم در کشور، امسال حدود ۴۵۰ هزار هکتار زمین زیر کشت گندم دارد و پیش‌بینی می‌شود از این سطح، یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن محصول برداشت شود.

هرگونه تأخیر در مراجعه به متخصص می‌تواند هزینه‌های انسانی و مالی جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد. تداوم این وضعیت، افزون بر افزایش نرخ مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های قابل درمان، به فرسایش سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی به نظام سلامت می‌انجامد. وقتی مردم احساس کنند عدالت در دسترسی به خدمات رعایت نمی‌شود، شکاف میان جامعه و نهادهای درمانی عمیق‌تر خواهد شد. برای عبور از این بحران، اصلاحات ساختاری اجتناب‌ناپذیر است. تقویت نظارت بر تعرفه‌ها، شفاف‌سازی فرایندهای مالی، مقابله جدی با پرداخت‌های غیررسمی، حمایت هدفمند از بیماران کم‌درآمد، ساماندهی نظام توزیع دارو و ایجاد سازوکارهای پاسخگو، از جمله اقداماتی است که باید در اولویت قرار گیرد. همچنین ارتقای اخلاق حرفه‌ای و فرهنگ پاسخگویی در میان کادر درمان، می‌تواند گامی مهم در بازسازی اعتماد عمومی باشد. سلامت، کالایی لوکس نیست که تنها در اختیار توانمندان قرار گیرد؛ حقی بنیادین است که باید بدون تبعیض در دسترس همگان باشد. بی‌توجهی به این اصل، نه تنها هزینه‌های اقتصادی سنگینی بر کشور تحمیل می‌کند، بلکه سرمایه انسانی و اجتماعی را نیز به مخاطره می‌اندازد. اصلاح نظام درمان، پیش از آنکه یک مطالبه صنفی یا اقتصادی باشد، ضرورتی ملی و انسانی است.

فعال رسانه‌ای

در داروخانه‌ها و تحمیل فشار روانی مضاعف بر آنان و خانواده‌هایشان است. تأخیر در دسترسی به دارو، عملاً روند درمان را مختل و شانس بهبود را کاهش می‌دهد. پدیده زیرمیزی یا دریافت پرداخت‌های غیررسمی از بیماران، یکی دیگر از معضلاتی است که به بی‌عدالتی در نظام درمان دامن زده است. در برخی مراکز درمانی، بیماران ناچارند برای دریافت خدمات بهتر یا تسریع در روند درمان، مبالغی خارج از چارچوب قانونی پرداخت کنند. این روند، اصل برابری در دسترسی به خدمات سلامت را مخدوش کرده و شکافی عمیق میان اقشار مختلف جامعه ایجاد کرده است. وقتی توان مالی به معیار دسترسی سریع‌تر و باکیفیت‌تر به درمان تبدیل شود، اعتماد عمومی به نظام سلامت آسیب می‌بیند. پیامد چنین وضعیتی تنها بی‌اعتمادی نیست؛ بلکه می‌تواند به تشدید عوارض بیماری و حتی از دست رفتن جان بیماران منجر شود. افزایش مداوم و گاه بی‌ضابطه هزینه ویزیت پزشکان متخصص و فوق‌تخصص، مانع دیگری بر سر راه دسترسی عادلانه به خدمات درمانی است. در غیاب نظارت مؤثر، تعرفه‌ها به سطوحی رسیده که برای بسیاری از خانوارها قابل پرداخت نیست. در نتیجه، برخی بیماران ناچارند درمان تخصصی را به تعویق بیندازند یا به درمان‌های غیررسمی و کم‌اثر روی آورند. در بیماری‌هایی همچون سرطان، بیماری‌های قلبی و عروقی، دیابت و سایر بیماری‌های مزمن، تشخیص و مداخله به‌موقع نقش حیاتی دارد.

ویزیت متخصصان، نظام بهداشت و درمان را با بحرانی چندوجهی روبه‌رو کرده است؛ بحرانی که بیش از همه بر دوش اقشار متوسط و کم‌درآمد سنگینی می‌کند و عدالت درمانی را به چالشی جدی بدل ساخته است. وضعیت بهداشت و درمان در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مشکلات ساختاری و اقتصادی دست به گریبان است؛ اما در ایران، این چالش‌ها در سال‌های اخیر ابعاد نگران‌کننده‌تری یافته است. آنچه امروز بیماران با آن مواجه‌اند، صرفاً یک مشکل اقتصادی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ناکارآمدی‌های مدیریتی، ضعف نظارت، سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ و فشارهای بیرونی است که در نهایت مستقیماً بر جان و سلامت مردم اثر می‌گذارد. یکی از عمیق‌ترین معضلات، افزایش قیمت دارو به‌ویژه داروهای خاص و مورد نیاز بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن و صعب‌العلاج است. هزینه‌های درمان برای بسیاری از خانواده‌ها به حدی افزایش یافته که ادامه مسیر درمان به یک چالش جدی مالی تبدیل شده است. در مواردی، بیماران به دلیل ناتوانی در تأمین هزینه‌ها، درمان خود را نیمه‌کاره رها می‌کنند؛ اتفاقی که نه تنها کیفیت زندگی آنان را کاهش می‌دهد بلکه خطر مرگ زودرس را نیز افزایش می‌دهد. در کنار گرانی، کمبود داروهای خاص نیز بر شدت بحران افزوده است. برخی اقلام حیاتی به دلیل مشکلات ارزی، محدودیت‌های وارداتی یا ضعف در نظام توزیع، به سختی در دسترس قرار می‌گیرند. نتیجه این وضعیت، سرگردانی بیماران



سلامت در تنگنا



محمود رحیمی

افزایش افسارگسیخته قیمت دارو، کمبود اقلام حیاتی، رواج پرداخت‌های غیررسمی و جهش بی‌رویه تعرفه

راز موفقیت حفاظت مشارکتی در جنگل‌های هیرکانی

قابل توجه مردم محلی، به‌ویژه در مواقع بحرانی مانند آتش‌سوزی شده است. رادمان با بیان اینکه این نشست‌ها اعتمادسازی کرده و موانع رفع شده است، گفت: اکنون حدود ۳۰ همیار محیط زیست محلی با پارک همکاری دارند که هر کدام می‌توانند ده‌ها نفر از اهالی را در حفاظت یاری کنند. وی گفت: این افراد بومی، نه تنها در مهار آتش‌سوزی‌ها نقش کلیدی ایفا می‌کنند، بلکه به عنوان چشمان بیدار محیط‌بانان، از ورود متخلفان جلوگیری می‌کنند. وی تأکید کرد: این رویکرد حفاظت مشارکتی روند مثبتی را ایجاد کرده و انتظار داریم در سایر بخش‌ها مانند کاهش شکار غیرمجاز نیز گسترش یابد. وقتی مردم منافع خود را در حفظ طبیعت ببینند، از بهترین محافظان آن می‌شوند. رییس پارک ملی گلستان در خصوص وضعیت جمعیت گونه‌ها نیز ابراز امیدواری کرد و گفت: بازندگی‌های بهتر پاییز و زمستان امسال نسبت به سال گذشته، نویدبخش روزهای خوبی است. رادمان ادامه داد: سرشماری‌های اخیر نشان‌دهنده بهبود نسبی در برخی گونه‌ها مانند قوچ و میش (۹ هزار و ۴۱۰ رأس)، کل و بز (هزار و ۷۰۰ رأس) و آهو (۴۱۰ رأس) است اما بحران آب و خشکسالی همچنان سایه سنگینی بر زیستگاه دارد. وی به برنامه‌های آتی اشاره کرد و گفت: توسعه اکوتوریسم پایدار با تورهای استاندارد، محدودسازی دسترسی خودروها در جاده‌های جنگلی، نصب دوربین‌های مداربسته و سیستم‌های هشدار آتش‌سوزی، تقویت آموزش راهنماهای محلی و همکاری با بخش خصوصی برای ایجاد درآمد پایدار برای جوامع حاشیه‌ای، در دستور کار قرار دارد. وی خاطر نشان کرد: پارک ملی گلستان می‌تواند الگویی برای تعادل میان حفاظت طبیعت و توسعه اقتصادی جوامع محلی باشد که نشان می‌دهد حفاظت از این ذخیره‌گاه زیست‌کره تنها با همکاری مستمر مسئولان، جوامع محلی و بخش خصوصی میسر است.



یکی از تهدیدهای اصلی برای حیات وحش است که سالانه منجر به تلفات جاده‌ای حیوانات می‌شود. همچنین آتش‌سوزی‌های ناشی از عوامل انسانی و خشکسالی‌های پیاپی، چالش دیگری است که نیاز به سیستم‌های هشدار زودرس و همکاری گسترده دارد. رادمان در تشریح این استراتژی اظهار کرد: در یک سال اخیر با برگزاری نشست‌های فصلی متعدد با ساکنان روستاهای همجوار (حدود ۴۳ روستا در منطقه انتقالی)، تلاش شده تا آگاهی‌بخشی نسبت به ارزش طبیعت پویا بر زندگی محلی افزایش یابد. وی تصریح کرد: به مردم توضیح دادیم که کنترل سیلاب، تأمین آب پایدار، تولید اکسیژن و حتی اقتصاد پایدار آن‌ها، وابسته به سلامت این اکوسیستم است که این رویکرد منجر به همراهی

پارک ملی گلستان اکوسیستم‌های ارزشمندی از جنگل‌های انبوه هیرکانی تا استپ‌های خشک ایرانی-تورانی را در خود جای داده اما در میان تهدیداتی نظیر شکار غیرمجاز و آتش‌سوزی، «حفاظت مشارکتی» و بهره‌گیری از ظرفیت جوامع محلی به عنوان کلیدی‌ترین راهکار نجات این میراث طبیعی و ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست مطرح شده است. به گزارش ایرنا، پارک ملی گلستان، به عنوان قدیمی‌ترین پارک ملی ایران و یکی از ۵۰ ذخیره‌گاه زیست‌کره برجسته در جهان شناخته می‌شود و با تنوع زیستی استثنایی و موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود در شرق رشته‌کوه البرز، پناهگاهی کم‌نظیر برای حیات وحش شرق ایران محسوب می‌شود. این پارک با مساحتی نزدیک به ۹۲ هزار هکتار، سه اقلیم متفاوت (خشک، نیمه‌خشک و نیمه‌مرطوب) را در دل خود جای داده و از استپ‌های خشک ایرانی-تورانی تا جنگل‌های انبوه هیرکانی را دربر می‌گیرد. این میراث طبیعی که بخش عمده آن در شهرستان گالیکش و بخشی در استان‌های خراسان شمالی و سمنان قرار دارد، اکنون میزبان بیش از یک‌هشتم گونه‌های گیاهی، یک‌سوم گونه‌های پرنده‌گان و بیش از نیمی از گونه‌های پستانداران کشور است با این حال، در سال‌های اخیر، فشارهای ناشی از خشکسالی، آتش‌سوزی‌های متعدد و تهدیدهای انسانی، حفاظت از این عرصه‌ها را به چالشی پیچیده تبدیل کرده که مدیران این پارک معتقدند کلید حل آن، «حفاظت مشارکتی» و بهره‌گیری از ظرفیت جوامع محلی است. رییس پارک ملی گلستان، در تشریح اهمیت این منطقه گفت: این پارک بیش از هزار و ۳۳۶ گونه گیاهی شامل حدود ۴۴ درصد از گونه‌های عروسی ایران در تنها هفت درصد مساحت کشور را در خود جای داده است. احمد رادمان افزود: هزار و ۱۰۰ گونه

حرف مردم

من خواب دیده‌ام که...

در سال ۱۳۵۲ یک یخچال ارج خریدیم به قیمت دوهزار تومان با اقساط ۲۰ ماهه بدون پیش‌پرداخت. این یخچال ۵۲ سال بدون وقفه و بدون هیچ تعمیر و بازسازی به ما خدمت کرد و همین ماه گذشته خاموش شد و دیگر کار نکرد. با برآورد هزینه‌ها برای بازسازی، به این نتیجه رسیدیم که باید به فکر یخچال دیگری باشیم اگرچه به گفته و تشخیص تعمیرکار، موتور آن کاملاً سالم بود و هنوز تا مدتی کار می‌کرد، اما به توصیه تعمیرکار صرفه در آن بود که به همین صورت فروخته شود که خیلی هم زود به فروش رسید به قیمت دو میلیون تومان. یعنی یک وسیله‌ی برقی ساخت داخل که به قیمت دو هزار تومان خریده شده بود، بعد از ۵۲ سال کار، به

هزار برابر قیمت خرید فروخته شد. همین یک مورد به‌خوبی وضعیت اقتصادی کشور را برای ما تعریف می‌کند. از یک‌سو دوام شگفت‌انگیز یک کالای ساخت داخل و از سوی دیگر تناسب وحشت‌ناک قیمت خرید و فروش، آن‌هم بعد از ۵۲ سال کار. این فقط یک نمونه بود از داستان تلخ روزگار تلخ ما. از همین نمونه می‌توان نقبی زد به شرایط پریشان و درهم‌ریخته‌ی اقتصاد در این سال‌ها که چه به روز مردم آورده است. از یک‌سو اضافه‌حقوق‌های ۱۰ تا ۲۰ درصدی و از سوی دیگر تورم ۴۰ تا ۸۰ درصدی. از یک‌سو کوچک و کوچک‌تر شدن روزانه‌ی سفره‌ی عامه‌ی مردم و از سوی دیگر بریز و بپاش و خاصه‌خرجی‌های معدودی از قدرت‌مداران. این داستان تا کجا قرار است ادامه پیدا کند؟ تا حذف کامل سفره؛ میزان تاب‌آوری مردم تا کجاست؟ این صبر و سکوت تا کجا ادامه خواهد داشت؟ تورم موضوعی نیست که ویژه کشور ما باشد. در تمام کشورهای دنیا با آن روبه‌رو هستیم، اما تا چه مقدار و چه اندازه؟ در اغلب کشورهایی که از توسعه و اقتصاد پویا و پایدار بهره‌مندند، سالانه شاهد نیم تا سه یا چهار درصد تورم هستیم، اما معلوم نیست که چرا و چگونه در کشور ما هر کالا و خدماتی که ناگهان و بی‌مقدمه گران می‌شود، میزان افزایش قیمت دست‌کم ۳۰ درصد

است که گاه تا ۵۰ و حتی ۱۰۰ درصد و در برخی موارد تا ۱۵۰ درصد هم می‌رسد. این دیگر گرانی و تورم نیست، جهش قیمت است و سخت شوک‌آور. به‌جز کالا و خدماتی که افسار قیمتش به دست فروشنده‌گان و تولیدکننده‌گان داخلی است و البته هیچ نظارتی هم بر آن نیست، هرروزه شاهد افزایش قیمت وحشت‌ناک و کمرشکن کالاها و خدمات دولتی هم هستیم که بنا بر ضرب‌المثل معروف فارسی «نگاه به دست خاله کن/ مثل خاله غریبه کن» فروشنده‌گان و تولیدکننده‌گان داخلی هم با الگو گرفتن از جهش قیمت کالا و خدمات دولتی به افزایش درصدهای معمول راضی نمی‌شوند. آنان هم از دست‌کم ۳۰ درصد آغاز می‌کنند تا به ۵۰ و ۱۰۰ و گاهی ۱۵۰ درصد هم می‌رسند. نگاهی به افزایش قیمت برخی کالاها و خدمات دولتی مثل هزینه‌های آب و برق و تلفن و گاز مصرفی مردم و نیز هزینه‌ی پست و گذرنامه و گواهی‌نامه‌ی راننده‌گی و ثبت اسناد و جواز کسب و پروانه‌ی ساختمان و عوارض خروج از کشور و... و شاهد این مدعا است. ببینید در این چند سال اخیر به بهای هرکدام از این خدمات چند درصد اضافه شده است. مثلاً ابونمان تلفن‌های ثابت که تا همین چند ماه پیش ۱۵۰۰ تومان بود در یک جهش و پرش بزرگ به ۱۶ هزار و ۵۰۰ تومان رسید. حساب کنید چند درصد می‌شود؟ چیزی

حدود هزار و ۱۰۰ درصد. این منطقی‌ست؟ در هیچ جای این جهان پهناور نمونه‌ای مشابه سراغ دارید؟ قیمت آرد سفید در کارخانه‌های آرد تا همین یک ماه پیش کیلویی ۵۰ هزار تومان بود، اما ۱۰ روز پیش یعنی به فاصله‌ی ۲۰ روز به ۷۵ هزار تومان رسید. یعنی ۵۰ درصد افزایش در یک نوبت. حالا بگذریم که همین آرد تا چند سال پیش کیلویی ۱۰ هزار تومان بود. آیا درآمد مردم هم به همین میزان افزایش یافته است؟ این وضعیت تا کجا می‌تواند ادامه یابد؟ امروز مردم از بسیاری از مخارج خود زده‌اند و صرفاً تمام درآمد خود را صرف خورد و خوراک می‌کنند، بلکه زنده بمانند. آن‌هم چه خورد و خوراکی؟ گوشت که از سفره‌ی مردم پریده است. روغن نیز، حبوبات و میوه نیز و... حتی بسیاری از خانواده‌ها حریف مخارج دارو و درمان خود هم نمی‌شوند و رهایشان کرده‌اند تا به مرگ تدریجی آرام آرام کارشان به پایان رسد. آن وقت انتظار داریم که کوچک‌ترین صدای اعتراضی هم از این مردم زنج‌کشیده شنیده نشود؟ آیا کسی به علاج این بیماری مهلک برخورد خواهد داشت؟ بایسیم با فروغ فرخزاد هم‌صدا شویم که روزگاری سروده بود:

من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید
و با این دل خوشی به خواب رویم، بلکه به خوابش ببینیم.
۲۵ بهمن ۱۴۰۴

۱۱۰ سند مالکیت مدرسه و فضای آموزشی اهداء شد



مراسم اهدای ۱۱۰ جلد سند مالکیت ویژه مدارس و فضاهای آموزشی متعلق به چهار شهرستان «گنبدکاووس، رامیان، مینودشت و گالیکش» با حضور مدیران کل آموزش و پرورش، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و ثبت اسناد و املاک گلستان برگزار شد. به گزارش ایرنا، در این مراسم که به‌صورت متمرکز در گنبدکاووس برگزار شد، سند مالکیت یک قطعه ۵۰ هکتاری متعلق به طرح نهضت ملی مسکن در این شهرستان مرزی از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تحویل شد. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان در این مراسم از وجود ۲ هزار و ۱۹۲ ملک متعلق به این اداره کل و ادارات تابعه آن در ۱۴ شهرستان استان خبر داد و گفت: از این تعداد هزار و ۵۴ ملک سند مالکیت دارند و بقیه در مرحله پیگیری و فرایند اداری اخذ سند قرار دارند. قدرت الله نظری با قدردانی از همراهی و هم افزایی ادارات کل بنیاد مسکن و ثبت و اسناد گلستان در صدور سند مالکیت مدارس و فضاهای آموزشی این استان، افزود: از املاک فاقد سند آموزش و پرورش ۱۶۷ ملک در اختیار بنیاد مسکن و ۹۰۰ ملک هم در اختیار بنیاد مستضعفان قرار دارد که از سال ۱۴۰۰ تاکنون برای بیش از نیمی از این املاک سند صادر شده و هم اکنون ۴۲۴ ملک هم در مرحله صدور سند قرار دارند. وی بابیان اینکه بخشی از املاک فاقد سند آموزش و پرورش هم در اختیار اوقاف و امور خیریه، آستان قدس رضوی و ستاد اجرایی فرمان امام خمینی (ره) قرار دارد، اضافه کرد: باید تلاش کنیم با همراهی و هم افزایی برای مدارس و فضاهای آموزشی فاقد سند که جزئی از بیت المال هستند، سند مالکیت صادر شود.

صدور سند برای املاک آموزش و پرورش رایگان است

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان هم در این مراسم از آمادگی این نهاد انقلابی جهت صدور سند مالکیت برای ۱۶۷ باب مدرسه و فضای آموزشی این استان خبر داد و گفت: این املاک به‌صورت رایگان و براساس مجوز کسب شده بدون دریافت «اجرت المثل» ایام استفاده شده املاک، در اختیار آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت. داوود خسروی بابیان اینکه توسعه هر جامعه از آموزش و پرورش و مدرسه شروع می‌شود و دانش آموزان آینده سازان این کشور هستند، افزود: هم اکنون بنیاد مسکن در ۳۰۰ روستای گلستان زمین برای احداث فضاهای آموزشی دارد که در صورت

نیاز به مدرسه سازی، به صورت رایگان در اختیار آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت. وی اضافه کرد: بنیاد مسکن در تغییر کاربری اراضی منابع طبیعی و الحاق آن به بافت روستاها، فضاهای عمومی با اولویت آموزشی، ورزشی و مذهبی پیش بینی و در اختیار نهادهای مرتبط قرار می‌دهد. خسروی از تشکیل پرونده خارج از نوبت برای مدارس و فضاهای آموزشی جهت دریافت سند مالکیت هم خبر داد و گفت: صدور سند برای املاک آموزش و پرورش در روستاها نیاز به تأییدیه شوراها و دهیاران ندارد اما املاک «هبه» شده باید به تأیید این نهادهای مردمی برسد.

وی از آمادگی ادارات ثبت اسناد و املاک ۱۴ شهرستان گلستان برای صدور سند مالکیت جهت املاک متعلق به آموزش و پرورش خبر داد و اضافه کرد: باوجود تعدد شرح وظایف و ماموریت‌های ثبت اسناد از یک سو و کمبود نیروی انسانی از سوی دیگر اما همراهی با نهاد تعلیم و تربیت برای اخذ سند مالکیت در اولویت کارها قرار دارد. جهانی فر همچنین بر لزوم اطلاع رسانی و تبیین پیگیری اشخاص حقوقی و حقیقی گلستان برای دریافت سند مالکیت (تبدیل اسناد دفترچه‌ای به سند تک برگ) و بارگذاری اسناد قولنامه‌ای در سامانه مربوطه از سوی رسانه‌های ارتباط جمعی و خبرنگاران تأکید کرد. همچنین فاطمه زراقی اردهائی، مدیر آموزش و پرورش گنبدکاووس هم در این مراسم گفت: این نهاد ۳۴۰ ملک دارد که ۹۶ مورد آن دارای سند مالکیت بوده و ۲۰ ملک هم امروز دارای سند مالکیت شدند ضمن اینکه فرایند اخذ سند برای ۱۰۸ ملک دیگر هم در حال انجام است. سلیمان هاشمی فرماندار گنبدکاووس هم با قدردانی از همراهی و تعامل مدیران کل بنیاد مسکن، ثبت اسناد و املاک و بنیاد مستضعفان گلستان برای صدور سند مالکیت مدارس و فضاهای آموزشی استان و این شهرستان، گفت: این اقدام ارزشمند باید به مردم اطلاع رسانی شود که رسانه‌ها در خط مقدم آگاهی بخشی به جامعه قرار دارند. وی هم از آمادگی فرمانداری و بخشداران گنبدکاووس جهت همراهی و همکاری با

نیاز به مدرسه سازی، به صورت رایگان در اختیار آموزش و پرورش قرار خواهد گرفت. وی اضافه کرد: بنیاد مسکن در تغییر کاربری اراضی منابع طبیعی و الحاق آن به بافت روستاها، فضاهای عمومی با اولویت آموزشی، ورزشی و مذهبی پیش بینی و در اختیار نهادهای مرتبط قرار می‌دهد. خسروی از تشکیل پرونده خارج از نوبت برای مدارس و فضاهای آموزشی جهت دریافت سند مالکیت هم خبر داد و گفت: صدور سند برای املاک آموزش و پرورش در روستاها نیاز به تأییدیه شوراها و دهیاران ندارد اما املاک «هبه» شده باید به تأیید این نهادهای مردمی برسد.

گلستان پیشرو در تبدیل سند دفترچه‌ای به سند تک برگ

مدیرکل ثبت اسناد و املاک گلستان هم در این مراسم، این استان را از استان‌های پیشرو در تبدیل اسناد دفترچه‌ای به اسناد تک برگ در کشور دانست و گفت: تاکنون ۴۷ هزار جلد سند تک برگ متعلق به املاک شهروندان گلستانی صادر شده است. عباس جهانی فر با اشاره به قانون الزام، افزود: از ابتدای سال آینده تمامی املاک دارای قولنامه عادی باید در سامانه مربوطه بارگذاری و صاحبان آن نسبت به دریافت سند مالکیت اقدام کنند در غیر اینصورت پس از ۲ سال مهلت این قانون، املاک آنها فاقد اعتبار خواهد بود.

آموزش و پرورش جهت اخذ سند مالکیت خبر داد و گفت: املاکی که در اختیار بنیاد علوی و مستضعفان قرار دارد متعلق به مردم و دولت است و متولیان این نهادهای انقلابی هم بدون چشم‌داشت و رایگان آنرا در اختیار مردم و دولت بویژه آموزش و پرورش قرار می‌دهند. مجید حاجی قادری نماینده بنیاد مستضعفان در گنبدکاووس هم در سخنانی گفت: در سه سال گذشته این نهاد ۴۱۶ فقره سند مالکیت به مساحت کل ۱۴۷ هکتار و ارزش ریالی ۱۵۰۰ میلیارد تومان را رایگان در اختیار مردم و ادارات و نهادهای خدماتی قرار داده است. دادستان عمومی و انقلاب گنبدکاووس هم با تأکید بر ضرورت پیگیری دریافت سند مالکیت برای املاک دولتی و انفال توسط مدیران ادارات و نهادها در استان گلستان و این شهرستان، گفت: هم اکنون تشکیل پرونده با موضوع اختلافات مالکیتی بین ادارات و نهادها و اشخاص عادی از معضلات دستگاه قضایی است که در صورت تعیین تکلیف و صدور سند مالکیت ۹۰ درصد مشکلات حقوقی برطرف می‌شود. محمد ارمی افزود: از ۲ سال پیش اداره کل ثبت اسناد و املاک گلستان و اداره متبوع آن در گنبدکاووس اقدامات بسیار خوبی در صدور سند مالکیت برای اراضی دولتی و انفال (مدارس، مساجد، حریم رودخانه‌ها و آثار و بناهای تاریخی) انجام داده‌اند که باعث جلوگیری از دست اندازی و سوء استفاده افراد به این املاک شده است. وی اضافه کرد: در گنبدکاووس مشکل برخی املاک دولتی که بیش از ۵۰ سال اختلاف مالکیت داشتند، پس از بررسی دقیق در عرض چند ماه رفع و سند مالکیت صادر شد. ارمی همچنین از مدیرکل آموزش و پرورش گلستان خواست تا نسبت به شناسایی کامل مدارس و فضاهای آموزشی فاقد سند در استان اقدام و پیگیری‌های لازم برای صدور سند مالکیت انجام دهد. به گزارش خبرنگار ایرنا، در این مراسم همچنین از سند مالکیت بزرگترین واحد آموزشی گلستان یعنی هنرستان کشاورزی شهید رجایی گنبدکاووس به مساحت ۱۰۰ هکتار و پس از ۴۷ سال، رونمایی و از مدیران و معاونین بنیاد مسکن، ثبت اسناد و املاک و بنیاد مستضعفان چهار شهرستان گنبدکاووس، آزادشهر، مینودشت و گالیکش نیز با اهدای لوح سپاس قدردانی شد. همچنین در این جلسه برخی مدیران بنیاد مسکن، آموزش و پرورش و ثبت اسناد و املاک چهار شهرستان گنبدکاووس، مینودشت، گالیکش و آزادشهر هم به بیان نقطه نظرات خود پیرامون املاک و مشکلات نداشتن سند مالکیت آنها پرداختند.



چه نباید کرد؟ و اساساً چه می‌توان کرد؟ چگونه می‌توانیم اشتباهات و خسارتها را جبران کنیم؟ چگونه می‌توانیم آرامش را به میهنمان، نان را به سفره‌ها، امید را به دلها، و لبخند را به لبها، بازگردانیم؟ گویا هیچ روزنه امید جز بازگشت به دامن پرمهر مادر پیش رویمان نیست. آخرین پناهگاه آغوش مادر است. باید مادرمان را شاد و از خودمان راضی کنیم. باید به تعبیر مولانا دلها، ما را با هفت آب از کینه بشویم و آنگاه در زیر سایه مام میهن برادروار با همدلی و همگامی و همزمانی همخانه شویم و این همه زمانی به دست می‌آید که پای بر نفس خود بنهیم و غیر از خود دیگران را نیز ببینیم. صدای مردم ایران را بشنویم و هشدار آنها را جدی بگیریم چون آنها صاحبخانه هستند و بیش از هر کس دلشان برای این خانه و کاشانه می‌سوزد. فراموش نکنیم مردم ایران مالک اصلی کشور هستند لذا باید با رضایت و همراهی آنها کشور را اداره کنیم و خود به دنبال مردم برای تحقق خیر عمومی کوشش نماییم. خیر عمومی اگر دیروز آزادی، آبادی و توسعه کشور بود امروز چیزی جز حفظ ایران از نابودی نیست. امروز کیان کشورمان در خطر است. وحدت ملی ترک برداشته و اهریمن پشت دروازه شهر به کمین نشسته است. امروز روز زورآزمایی برادران نیست. امروز روز سرنوشت است. امروز روز حفاظت و حراست از تاریخ و فرهنگ و تمدن چندین هزارساله کشورمان است. امروز روز پاسداشت میراث نیاکانمان است.

مدرس دانشگاه و پژوهشگر



بدرقه کرد و همراه با بانگ الرحیل، کاروان به راه افتاد چنانکه گویی کاروانیان هیچگاه در این کاروانسرا پای ننهاده بودند و از آن همه شور و شوق و آواز و فریاد و قال و مقال جز آتشی به منزل نماند. آری آنها نیز رفتند تا کاروانسرا منتظر کاروان دیگری چشم در پیچ و خم بیابان بدوزد. آنها رفتند اما چه باشتاب و چقدر زود! به تعبیر طیب اصفهانی گویی این کاروان با سپیده صبحگاهی و با نخستین بارقه‌های فلق قرار ملاقات داشت که در سیاهی شب راه پیمود تا به هنگام طلوع صبح در مقصد باشد: خوش آن کاروانی که شب راه طی کرد

دم صبح اول به منزل نشیند آنها رفتند و به منزلگاه آرامش نشستند و ما را با جانی سوخته و جهانی از پرسشهای بی‌پاسخ تنها گذاشتند. به راستی چه شد؟ چه کردیم؟ چرا به ناگاه «پرده بر انداختیم و کار به اتمام رفت»؟ آیا در این هیاهوی ناتمام می‌توان اندیشید و به پاسخی درخور دست یافت؟ آیا در غبار این معرکه اندیشیدن ممکن است؟ آیا در دفتر املائی زندگی و در نامه اعمالمان فرصت بازاندیشی، بازگشت و تصحیح غلطهایمان را داریم؟ نمی‌دانم!!! اما می‌دانم مادرمان این روزها از ما ناراضی است و مهرش را حلالمان نمی‌کند. ایران؛ این مادر سالمند قد خمیده که در داغ فرزندان چهره به ناخن خسته و گیسو پریشان کرده از ما روی گردانده و تاب دیدن چهره‌های برافروخته، چشمان دریده و رگهای برآمده فرزندان خود را ندارد. مام میهن وقتی دامن پر مهرش را می‌گسترده چشم به راه «همه» فرزندان خویش است تا دست در دست، بازو به بازو و زانو به زانو برادروار بر این دامن پرمهر بنشینند و خواهروار از آن برخیزند. مام میهن فرزندان را تقسیم و تفکیک نمی‌کند. او تک تک فرزندان را دوست می‌دارد و به یک اندازه به آنها مهر می‌ورزد. او آرزو دارد همه فرزندان را یکجا در آغوش بگیرد و زیر سایه خود گرد آورد. این ناله و فریاد و فغان مادرمان از جدایی فرزندان است، از بی‌مهری فرزندان نسبت به یکدیگر است، از رویارویی فرزندان و از برادرکشی بر دامن مادر است. اما دریغ!!! که صدای این مادر پیر در هیاهوی فرزندان ناسپاس گم شده است. برادرانی که قابیل وار با دشنه‌های تشنه و با تیغهای آخته خون برادران و خواهران خویش را می‌ریزند یا همچون فرزندان یعقوب پاره تن خود را در سیاهچاله ستم و فراموشی می‌افکنند و صد دریغ در راهی که می‌روند سر از پا نمی‌شناسند. اکنون که «در سینه داغی و از لاله باغی داریم» چه باید کرد؟

دیده‌بگشا ای برادر!



حسین دوست محمدی

این روزها گفتن و نوشتن بسیار دشوار شده اما از آن دشوارتر نگفتن و ننوشتن است. آنچه این روزها آسان است و در دسترس، اشک و آه و غم و اندوه ژرف و بی‌پایان است. به هر گوشه خانه اجدادیمان که می‌نگریم دریغی نهفته است و بر بالین هر دریغ غنچه‌ای شکفته؛ «در این سرای بی‌کسی» دیوجانس‌وار چراغ به دست در باغی از داغ قدم می‌زنیم و در جستجوی مهر مادری هستیم. این داغ، این باغ و این چراغ از جنس همان آتشی است که خواجه اهل راز فرمود: از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست. و سرانجام کاروانسرای کهن کاروان دیگری را

آگهی حراج شماره ۲۷۰۰۰۰۲۲۰۰۱۰۴۰۰۳ سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

شرکت ارتباطات زیرساخت

فروش انواع باتری و کولر پنجره‌ای و اسپیلت شرکت ارتباطات زیرساخت گلستان

شرکت ارتباطات زیرساخت

شرکت ارتباطات زیرساخت در نظر دارد

پس از اعلام مجری حراج از طریق سامانه ستاد، حداکثر ظرف مدت ۷ روز، کل وجه مبلغ پیشهادی بعلاوه ۱۰٪ مالیات بر ارزش افزوده را به حساب شرکت ارتباطات زیرساخت واریز و پس از صدور برگ خروج، نسبت به خروج آن از انبار این شرکت اقدام نماید، در غیر اینصورت چنانچه برنده از پرداخت وجه مذکور و خروج اقلام حراج از انبار در مهلت های تعیین شده به هر علت عدول نماید، کل مبلغ واریزی و تضمین وی به نفع شرکت ارتباطات زیرساخت ضبط و مزایده گر حق هرگونه اعتراضی را از خود سلب می نماید. -تمامی هزینه های جانبی اعم از تامین کارگر جهت جابجایی و حمل وسایل، تامین جرثقیل برای وسایل سنگین، تامین وسایل و تجهیزات مورد نیاز جهت وزن کشی ضایعات و غیره به عهده برنده حراج می باشد.

-بدیهی است متعاقباً قبل از خروج اقلام حراج، تسویه حساب نهایی انجام می گردد و همچنین تضمین برنده پس از اخذ مجوزهای لازم به وی مسترد می گردد.

-ارائه پروانه بهره برداری از وزارت صنعت، معدن، تجارت یا تاییده استعمال مدیریت صحیح زیست محیطی از اداره کل محیط زیست استان محل استقرار به عنوان شرط لازم جهت شرکت در حراج می باشد.

-ضمناً مزایده گران جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند به سایت www.tic.ir مراجعه نمایند.

انواع باتری (۹۲ سلول) و انواع کولر و اسپیلت (۱۲ دستگاه) اسقاطی و خارج از رده موجود در مرکز گنبد طبق ۲ برگ لیست را از طریق حراج عمومی بفروش برساند. خریداران می بایست جهت ثبت نام در سامانه و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی با مرکز تماس حاصل فرمایند و یا به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

• زمان انتشار در سامانه: از ساعت ۰۸:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ تا ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ می باشد.

• نحوه بازدید از اقلام: مهلت رویت از اقلام از ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ تا ساعت ۱۲:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۲ می باشد. خریداران می بایست به منظور بازدید از اقلام مزایده بصورت حضوری به انباردار مدیریت ارتباطات زیرساخت استان گلستان به نشانی گنبد، خیابان مفتاح جنب مخابرات (تلفن تماس ۰۹۱۱۶۴۳۲۵۵۷ آقای شافعی) مراجعه و پس از اخذ مجوز مربوطه اقدام نمایند. (شخص مزایده گر و یک نفر همراه)

• تضمین شرکت در حراج: ضمانت شرکت در فرآیند ارجاع کار مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (دویست میلیون ریال) می باشد که می بایست مزایده گران در زمان شرکت در حراج بصورت آنلاین به حساب این شرکت واریز نمایند.

• زمان برگزاری حراج: از ساعت ۰۸:۰۰ تا ساعت ۱۲:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ بصورت آنلاین از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد.

• شرایط عمومی:

-شرکت در حراج و تسلیم پیشنهاد به منزله سند قبول کلیه مفاد اسناد حراج می باشد. لذا برنده مکلف است

چالش‌های شبانه خواب کودک و دلایل اصلی آن

کودک در معرض محتوای نامناسب قرار گرفته باشد.

بهبود خواب شبانه؛ نادیده بگیریم یا پاسخ بدهیم؟

به گفته درویشی، بهانه‌هایی مثل تشنگی، گرسنگی یا دستشویی رفتن نباید به طور کامل نادیده گرفته شوند، اما والدین باید طوری برخورد کنند که فرصت طفره‌روی به حداقل برسد. هدف اصلی، ایجاد تعادل میان احساس امنیت کودک و آموزش این نکته است که زمان خواب، پایان درخواست‌هاست. او پیشنهاد می‌کند: قبل از خواب، یک لیوان آب در اختیار کودک گذاشته و با لحن آرام و قاطع توضیح داده شود که این آخرین آب تا صبح است. دادن میان‌وعده‌ای سبک و سیرکننده یکی دو ساعت قبل از خواب، و تبدیل دستشویی رفتن به بخشی ثابت از روال شبانه-اگر کودک اصرار داشته باشد که نیازی ندارد-از دیگر توصیه‌های اوست. درویشی تأکید می‌کند: پس از اطمینان از برآورده شدن نیازها، والدین باید با لحن آرام، یکنواخت و قاطع به کودک بگویند که قرار است تا صبح در تخت بماند. او هشدار می‌دهد: گفت‌وگوهای طولانی، نشان دادن خستگی یا عصبانیت، روند خواب را مختل تر می‌کند.



او فعالیت‌ها باید به تدریج از پرتحرک به کم‌تحرک و از محیط پرنور به کم‌نور تغییر کنند. استفاده از علامت‌های مشخص-مثلاً زنگ گوشی که اعلام می‌کند پنج دقیقه تا خواب باقی مانده-می‌تواند به کودک کمک کند تا برای پایان بازی‌های پرتحرک، مسواک زدن و رفتن به تخت آماده شود. او انجام حرکات کششی ساده یا یوگای کودک، حذف کامل صفحه‌نمایش‌ها حداقل یک ساعت قبل از خواب، و محدود کردن مصرف کافئین، شکلات، نوشابه و شیرینی در عصر را از نکات کلیدی این روتین می‌داند. حتی اگر کودک گرسنه باشد، باید میان‌وعده‌ای سبک مانند موز، شیر یا نان و پنیر به او داد و از بازی‌های هیجان‌انگیز و فلفلی قبل از خواب پرهیز کرد.

تبلت و موبایل؛ دشمنان خاموش خواب کودک

درویشی با صراحت می‌گوید استفاده از تبلت و موبایل قبل از خواب، یکی از مخرب‌ترین عوامل برای کیفیت و زمان خواب کودک است: نور صفحه‌نمایش‌ها به‌طور مستقیم ترشح ملاتونین-هورمون اصلی تنظیم چرخه خواب-را مختل می‌کند و مغز کودک را فریب می‌دهد تا تصور کند هنوز روز است. او تأکید می‌کند: محتوای سریع، رنگارنگ و جذاب بازی‌ها و انیمیشن‌ها مغز کودک را در حالت برانگیختگی نگه می‌دارد و حتی پس از خاموش شدن دستگاه نیز ذهن کودک درگیر پردازش صحنه‌ها و صداها باقی می‌ماند. نتیجه این فرایند، دیر خوابیدن، خواب سبک و ناپایدار و حتی کابوس‌های شبانه است؛ به‌ویژه زمانی که

تشدید کنند. از سوی دیگر، برخی کودکان نگران‌اند که اگر بخوابند، اتفاقات جذابی را در خانه از دست بدهند؛ از صحبت کردن والدین گرفته تا مهمانی رفتن یا خوردن خوراکی‌های دوست‌داشتنی. او اضافه می‌کند: کودکانی که در طول روز هیجان‌ناشده‌اند مانند خشم، شادی افراطی یا اضطراب را تجربه کرده‌اند، درست قبل از خواب تمایل دارند این هیجان‌ها را پردازش کنند و همین موضوع اجازه نمی‌دهد به راحتی به خواب بروند.

انرژی بی پایان یا بیش‌فعالی؟

به گفته درویشی، بیش‌فعالی می‌تواند یکی از دلایل مهم مشکلات خواب باشد. او با اشاره به یافته‌های پژوهشی تأکید می‌کند: بین ۲۵ تا ۵۰ درصد کودکانی که دچار ADHD هستند، معمولاً مشکلات خواب نیز دارند. با این حال، او هشدار می‌دهد که هر کودک پرتنری لزوماً بیش‌فعال نیست و نباید انرژی زیاد را به‌تنهایی معادل یک اختلال دانست.

روال خواب؛ ستون فقرات آرامش شبانه

این روانشناس کودک و نوجوان تأکید می‌کند که داشتن یک روال ثابت خواب، مهم‌ترین عامل در بهبود کیفیت خواب کودک است: این روتین باید حتی در سفر هم حفظ شود؛ اگر کودک هر شب ساعت ۹ می‌خوابد، این ساعت نباید با تغییر مکان عوض شود، چرا که ثبات، به کودک حس امنیت می‌دهد و بدن او را برای خواب آماده می‌کند. درویشی روال خواب را به «یک شیب ملایم» تشبیه می‌کند که کودک را از بیداری به خواب می‌رساند. به گفته

بهبادهای تمام‌نشدنی، گریه‌های شبانه و کودکی که به وجود خستگی، خوابش نمی‌برد؛ خواب برای بعضی خانواده‌ها به یکی از سخت‌ترین چالش‌های شبانه تبدیل می‌شود. شقایق درویشی، روانشناس و درمانگر کودک و نوجوان، با نگاهی روانشناختی، پشت‌پرده مقاومت کودکان در برابر خواب را بررسی می‌کند و به این سؤال پاسخ می‌دهد که این بی‌خوابی از کجا می‌آید و چه زمانی باید جدی گرفته شود. به گزارش ایرنازندگی، برای خیلی از خانواده‌ها، شب قرار است زمان آرامش باشد؛ چراغ‌ها خاموش شود، خانه ساکت شود و کودک بخوابد. اما واقعیت همیشه این‌طور نیست. برای بعضی والدین، شب تازه شروع یک چالش تکراری است؛ بهانه‌های تمام‌نشدنی، رفت‌وآمدهای مکرر به تخت‌خواب، گریه، مقاومت و کودکی که با وجود خستگی، خوابش نمی‌برد. بی‌خوابی کودک فقط یک دردسر شبانه نیست. کم‌خوابی می‌تواند روی خلق‌وخو، تمرکز، یادگیری و حتی روابط کودک با اطرافیان اثر بگذارد و آرامش کل خانواده را به هم بزند. سؤال‌های زیادی ذهن والدین را درگیر می‌کند: چرا کودکم وقتی خسته است، نمی‌خوابد؟ چرا شب‌ها ناگهان پرتنری می‌شود؟ موبایل و تبلت چقدر در این بی‌خوابی نقش دارند؟ و از کجا بفهمیم این مقاومت طبیعی است یا یک زنگ خطر؟ در این گزارش، دکتر شقایق درویشی، روانشناس و درمانگر کودک و نوجوان از دلایل روانشناختی مشکلات خواب کودکان می‌گوید.

چالش خواب؛ جدایی، هویت و ترس‌های کودکان

خواب یکی از چالش‌های بزرگ در زندگی کودکان محسوب می‌شود و مقاومت آن‌ها در برابر خواب به عوامل پیچیده‌ای بستگی دارد. درویشی، به ابعاد مختلف این موضوع می‌پردازد و توضیح می‌دهد: مقاومت برخی کودکان در برابر خواب، لزوماً به معنی لجبازی ساده نیست. بسیاری از کودکان، به‌ویژه در سنین نوپایی و پیش‌دبستانی، خواب را معادل جدا شدن از والدین و از دست دادن حس امنیت می‌دانند. از نگاه کودک، این جدایی-اگر فقط برای چند ساعت باشد-می‌تواند اضطراب‌آور باشد. او تأکید می‌کند: در همین سنین، کودکان به‌دنبال تجربه «قدرت نه گفتن» هستند و خواب یکی از مهم‌ترین میدان‌های نبرد برای اعلام استقلال آن‌هاست؛ جایی که کودک می‌خواهد بگوید: من مستقل هستم و می‌توانم مخالفت کنم. درویشی به دنیای خیال‌پردازانه کودکان نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: بسیاری از آن‌ها هنوز توانایی تفکیک کامل خیال از واقعیت را ندارند. سایه‌ها، صداها یا موجودات خیالی ممکن است شب‌ها در ذهن کودک زنده شوند و ترس از خواب را



یافت. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در جلسه شورای فرهنگ عمومی گلستان، این اتفاق را نمادی از اعتماد سرمایه‌گذاران به توانمندی‌های داخلی و امنیت سرمایه‌گذاری در استان دانست و گفت: اگر این رقم‌ها در شرایط کنونی اتفاق مهمی نیست، پس چه چیزی مهم است؟ وی همچنین به اقدامات دولت در حوزه تامین انرژی اشاره کرد و افزود: در مدت زمان کوتاهی بالغ بر چهار هزار مگاوات برق وارد مدار شده که این رقم در نوع خود بی‌نظیر است. طهماسبی با تأکید بر لزوم فرهنگ‌سازی در حوزه مصرف، گفت: باید از فرصت‌هایی مانند ماه مبارک رمضان و طرح‌هایی مانند طرح «هجرت» روحانیت برای ترویج فرهنگ صرفه‌جویی در آب، برق و گاز استفاده کنیم. وی با اشاره به تلاش‌های دولت برای رفع موانع تولید، خاطر نشان کرد: فروش منابع مالی کشور در بازارهای جهانی با دشواری‌هایی مواجه است اما مدیران کشور با تلاش شبانه‌روزی در حال خدمت‌رسانی هستند.

تزریق سرمایه برای نیروگاه گلستان و منطقه آزاد اینچه‌برون

استاندار گلستان با اشاره به دستاوردهای سفر اخیر رئیس‌جمهور به گلستان گفت: در این سفر افزون بر ۷۲ همت اعتبار برای پروژه‌های عمرانی و زیرساختی استان مصوب شد و علاوه بر اعتبارات دولتی، تسهیلات ارزی از جمله ۵۰ میلیون دلار برای تکمیل فاز دوم نیروگاه علی‌آباد و ۱۵ میلیون دلار دیگر توسط سرمایه‌گذاران داخلی در منطقه آزاد اینچه‌برون اختصاص